

متن پرسش

با سلام: نظر حضرتعالی در مورد دو مطلب که مرحوم صفایی حایری در کتاب استاد و درس صرف و نحو آورده اند را خواستارم: ۱. «آنها که می‌گویند تو شروع کن تا راه به تو بگوید که چگونه باید بروی غافل هستند که اگر تمام راه در طرح مشخص نشده باشد شروعی امکان ندارد.» جایگاه این سخن و نظر حضرتعالی که به شعر عطار اشاره می‌کردید چیست؟ تو پای به راه در نه و هیچ می‌پرس. خود راه بگویدت که چون باید رفت. ۲. «من از یک استاد بیش از مطالب به روشش کار داشتم من کاویدن ها را می‌خواستم و روش ها را که با طرح مساله یا طرح آیه ذهن استادم بر روی چه مدارهایی به جریان می‌افتد و این مدارها را از چه وقت و چگونه تحصیل کرده است.» این مطلبی که استاد عین صاد مطرح کردند دقیقاً مشکل کنونی من است روش کار حضرتعالی یا بقیه اساتید را چگونه می‌توان بدست آورد علی‌رغم مطالعه برخی از آثارشان هنوز روششان برایم مبهم است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در سخن عطار می‌یابیم که در یک نگاه کلی اگر توانستیم راه را درست تشخیص دهیم، در امور جزئی نباید وسواس به خرج داد ۲- با همین دقت که باید مدار فکری فرد را شناخت و بعد او را پذیرفت؛ خود این دقت کمک می‌کند که انسان به دنبال هرکسی راه نیفتد. موفق باشید